**موج های واقعه غدیر**

**مقدمه**

اگرمولا ولی می شد چه می شد؟

خلیفه گـر عـلی مـی شد چه می شد؟

نه امت از علی محروم می ماند

نه حق بی یاور و مظلوم می ماند

رسول اکرم«ص» داستان غـدیر را ساده و بی اهمیت برگزار نکرد، بلکه تا آنجا که توان داشت قبل از حادثة غـدیر، در حین ایراد خطبه و بـعد از آن بـا دستورات و عنایات الهی رفتارهائی را انجام داد که هر یک به حادثة غدیر بها و موج می داد. کیفیت اعلان رفتن به حجّة الوداع و نام هایی که برای آن انتخاب شد، حضور جمعیت کثیر، همراه بردن صحابه و سـرشناسان آنها، سخنرانی هایی که پیامبر«ص» قبل از خطبة غدیر ایراد فرمودند، آیاتی که قبل و بعد از خطبة غدیر نازل شدند، نکات مهم در متن خطبه، کیفیت بیعت گرفتن از مردم، بیعت خواص و... همه از نقاط برجسته در واقـعه غـدیر به حساب می آیند.

**الف) اعلان رسمی و همگانی**

پیامبر اکرم«ص» بعد از هجرت به مدینه منوره، سه بار به مکه مشرف شدند. بار اول در سال هشتم که پس از صلح حدیبیه به عنوان انجام «عمرة القـضا» وارد مـکّه شدند، ولی هرگز برای حضور در این عمره اعلان عام ندادند و جمعیت زیادی هم شرکت نکرد. بار دوم در سال نهم هجری به عنوان «فتح مکّه» وارد این شهر شدند. مجموع جمعیت شهر حـدود 10 هـزار نفر بود. سومین و آخرین بار هم در سال دهم هجری، روز شنبه، پنج یا ششم ذی القعده بود که آن را «حجّه الوداع» نامیدند و به طور رسمی اعلان حج عمومی دادند.

این اعلان عام و فراگیر بـه مـردم مـدینه، اطراف مدینه، مکه، یمن و اطـراف آن خـبر داده شـد، لذا جمعیت زیادی بین نود تا یکصد و بیست و چهار هزار نفر همراه پیامبر«ص» به سوی مکه به راه افتادند.[[1]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn1) این در حالی بود کـه هـنگام حـرکت حضرت، بیماری آبله و حصبه در مدینه آمده بود و عـده زیـادی را از رفتن باز داشت. تازه اینها غیر از کسانی بودند که در مکه حضور داشتند. در حدود دوازده هزار نفر هم همراه امیرمؤمنان عـلی«ع» از یـمن و عـده ای در معیت ابوموسی اشعری آمدند.[[2]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn2)

این واقعه را می توان در کلام خداوند یـافت، آنجا که دستور داد: «**وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالحَجِّ یأتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یأْتینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ**»؛[[3]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn3) «و مردم را دعـوت عـمومی بـه حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سـوی تـو بیایند».

این حج، به نام «حجه الوداع» (آخرین حجّ پیامبر) «ص»، «حجه البلاغ»، به خاطر نزول آیه تـبلیغ، «حـجه الکـمال» به خاطر نزول آیه «**اَکمَلتُ لَکُم**» و «حجه التمام» به خاطر «**اَتمَمتُ عـَلَیکُم نـِعمَتِی**» نـامیده شده است[[4]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn4) که خود این مسئله، به نوعی یک برجستگی برای غدیر به حساب مـی آید.

**ب) نـحوه حـرکت از مدینه و همراهان**

کیفیت خروج حضرت از مدینه موج آفرین بود. علاّمه امینی در این باره می نویسد: «**فـَخَرَجَ** **مِنَ المَدِینَةِ مُغتَسِلاً مُتدهِّناً مُتَرَجِّلاً مُتجَرِّداً فِی ثَوبین صحاریین اِزارٍ و رداءٍ**؛[[5]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn5) پیامبر «ص» در حالی کـه غـسل کـرده و روغن زده بود، با پای پیاده و بدون لباس از مدینه خارج شد. ایشان فقط دو جامه که نـماد سـفیدی داشت به عنوان ازار و رداء (یعنی همان لباس احرام) را بر تن کرده بود».

این حـالت در مـدینه تـوجه برانگیز و حرکت آفرین بود، از این رو جمعیت زیادی با پیامبر «ص» همراه شدند.

در کنار این حالت رسول خدا«ص»، مـوضوع قـابل توجه دیگر، حضور همسران آن حضرت در این سفر بود «**وَأَخرَجَ مَعَهُ نـِسَاءَ کـُلِّهِنَّ فـِی الهَودَاج؛**[[6]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn6) و با رسول خدا«ص» همه زنانش در هوداج خارج شدند.» و همین طور فرزندان آن حضرت از جمله حـضور فـاطمه زهـرا «س» در این حج و در جریان غدیر.[[7]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn7)

**ج) روی آوردن مردم به اسلام**

مسئله دیگری که در «غدیر» خـیزش و مـوج ایجاد کرد، این بود که بعد از فتح مکه، در اواخر سال نهم و آغاز سال دهم هجری، مـردم جـزیره العرب و طوائف و قبایل، فوج فوج به اسلام روی آوردند: «**وَ رَأَیتَ النَّاسَ یدخُلُونَ فی دیـنِ اللَّهِ أَفواجاً**»؛[[8]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn8) «و مردم را می بینی که گروه گروه وارد دیـن خـدا مـی شوند».[[9]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn9)

هجوم این طوائف و قبایل به سوی اسـلام، نـقش زیادی در حضور جمعیت کثیر در حجه الوداع و ایجاد موج در جریان غدیر داشت، وگرنه در سال نـهم کـل جمعیتی که در فتح مکّه حـضور داشـتند فقط دهـ هزار نـفر بـود و با اینکه اعلام عمومی برای شـرکت در جـنگ و فتح مکّه داده شده بود، پس از گرایش قبایل به اسلام، ناگهان این جمعیت در سـال بـعد به ده برابر افزایش یافت.

**د) سخنرانی در مـنا**

پیامبر«ص» در خطبه منا، ابـتدا بـه امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جـان و مـال و آبرو و سپس به خون های بناحق ریخته شده و اموال به غارت رفته در دوران جـاهلیت اشـاره کردند. آنگاه مردم را از اختلاف و دشـمنی بـعد از خـود برحذر داشتند و چـند مـسئله را تصریح فرمودند:

**یک: خـبر از رحـلت خویش**

«**فَإِنِّی لَا أَدْرِی لَعَلِّی لَا أَلْقَاکُم بَعدَ عَامِی هَذَا**؛[[10]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn10) به راستی نمی دانم. شاید بعد از این سال شـما را مـلاقات نکنم.»

**دو: خبر از ارتداد گروهی**

«هشیار بـاشید! بـه زودی گروهی از مـردان شـما بـر من کنار حوض(کـوثر) وارد و از من دور می شوند. می گویم: پروردگارا [اینها] اصحاب من هستند. پس گفته می شود: ای محمد! آنها بعد از [رحلت] تـو، بـدعت گذاری کردند و سنّت ات را تغییر دادند. پس مـی گویم: دور بـاد از رحـمت خـدا، دور بـاد.»[[11]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-#_edn11)

**سه: بیان مـکرر حـدیث ثقلین**

حضرت بارها حدیث ثقلین را یادآوری کردند و در بخشی از خطبه منا فرمودند: «**أَلَا وَ إِنِّی قَد تَرَکتُ فِیکُم أَمـرَینِ إِن أَخـَذتُم بـِهِمَا لَن تَضِلُّوا کِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِی اهل بیتی فَإِنَّهُ قـَد نـَبَّأَنِی اللَّطـِیفُ الخـَبِیرُ أَنـَّهُمَا لَن یـفتَرِقَا حَتَّی یرِدَا عَلَی الحَوضَ أَلَا فَمَن اعتَصَمَ بِهِمَا فَقَد نَجَا وَ مَن خَالَفَهُمَا فَقَد هَلَکَ أَلَا هَل بَلَّغتُ**؛[[12]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn12) توجه کنید دو امر در بین شما باقی می گذارم، اگر به آن دو تمسک کنید هـرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. به راستی خدای ریزبین و آگاه به من خبر داد که آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در حوض (کوثر) بر من وارد شوند. بیدار باشید! هر کس به آن دو چـنگ زنـد، نجات می یابد و هر کس مخالفت کند، هلاک می شود. آیا من [پیام خداوند را] رساندم؟» همه گفتند: بلی.

**هـ) سخنرانی مسجد خیف**

در آخرین روز ایام تشریق در منا، سورة نصر نازل شد. حضرت نـدا دادنـد که مردم برای نماز جماعت در مسجد «خیف» اجتماع کنند. بعد از حمد و ثنای الهی در ابتدای خطبه تأکید فرمودند که گفته های ایشان را خوب به خـاطر بـسپارند و حاضران به غائبان برسانند. حـضرت فـرمودند: «خدا نیکو گرداند امر و کار کسی را که سخنان مرا می شنود، سپس آن را حفظ می کند و به کسانی که حضور ندارند، می رساند. پس چه بسیار کسانی که حـامل فـقه و آگاهی هستند، اما خـود غـیر دانا هستند و چه بسیار کسانی که حامل فقه و آگاهی هستند به کسانی که از آنها برتر و داناترند.»[[13]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-#_edn13)

پیامبر«ص» در ادامه خطبه به اخلاص در عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و دوری از تفرقه سفارش و اعلام کـردند کـه تمام مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی یکسانند. آن گاه بار دیگر حدیث ثقلین را یادآوری کردند: «**أَیهَا النَّاسُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَینِ...**؛[[14]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn14)ای مردم! بیدار باشید. به راستی من در بین شما دو چیز گرانبها مـی گذارم....»

تـکرار حدیث ثـقلین واقعاً مؤثر بود. عده ای به خوبی مقصود پیامبر«ص» را از این اقدامات متوجه شدند، از این رو دست به توطئه زدند. در ایـن زمینه می خوانیم: «**فَاجتَمَعَ قَومٌ مِن أَصحَابِهِ وَ قَالُوا: یرِیدُ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه وآله أَن یجعَلَ الإِمـَامَةَ فـِی اهـل بیتهِ فَخَرَجَ مِنهُم أَربَعَةُ نَفَرٍ إِلَی مَکَّةَ**...[[15]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn15) گروهی از صحابه اجتماع کردند و گفتند: محمد اراده کرده که امامت را در اهل بیت خود قـرار دهـد. پس چهار نفر از آنها به سمت مکّه و داخل کعبه رفتند و پیمان نامه ای نوشتند که اگـر خـدا، پیـامبر «ص» را از دنیا برد و یا کشته شد، نگذارند به هیچ وجه خلافت به اهل بیت او برگردد. پس خداوند بـلندمرتبه این آیه را بر پیامبرش نازل فرمود: «بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گـرفتند. ما نیز اراده محکمی [دربـاره آنـها] داریم. آیا آنان می پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان ) ما نزد آنها هستند و می نویسند.»

در واقع این افراد[[16]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn16)تلاش هایی انجام دادند که جلوی حرکت عظیم پیامبر«ص» را بـگیرند، ولی با عنایت الهی موفق نشدند.

**و) خطبه غدیر**

خطبه غدیر و انتخاب محل آن و نکاتی که در آن مطرح شد موج هایی را در حادثه غدیر ایجاد کرد که به اهمّ آنها اشاره می شود:

**1ـ توقف در جحفه**

پیامبر«ص» در جحفه، مـحلّ غـدیر خم دستور به توقف دادند. به آنهایی که از آنجا گذشته بودند، دستور دادند که برگردند و منتظر ماندند تا افرادی که نرسیده بودند، به آنان ملحق شوند. این نشان می دهد کـه مـسئله آن قدر مهم بود که همه افراد باید حضور می داشتند.

**2ـ اعلام نزدیک بودن رحلت**

تذکر این نکته که رحلت آن حضرت نزدیک است، نشان از آن دارد که در پی مطرح کردن جانشین خویش بـودند. در مـتن خطبه غدیر می خوانیم: «**وَ إِنِّی أَوشَکَ أَن أُدعَی فَأُجِیبَ فَمَا أَنتُم قَائِلُونَ قَالُوا نَصَحتَ**؛[[17]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn17) و بدانید که من نزدیک است که [به سوی حق] دعوت شوم، پس اجابت کنم [و از دنیا بروم]،حال شـما چـه می گویید؟ گـفتند: نصیحت کردی [و خیرخواه بودی]».

ایـن جـملات از چـند جهت محرّک بود. اوّلاً عاطفه دوستداران پیامبر«ص» را تحریک می کرد که رحلت آن حضرت نزدیک است. ثانیاً مردم را به این پرسش وامی داشت که چـرا حـضرت خـبر نزدیک شدن مرگ خود را به مردم می گوید و حـتماً هـدف و غرضی دارد. ثالثاً ذهن کنجکاو مردم را به این سو سوق می داد که بعد از پیامبر«ص» چه کسی باید خلیفه و جانشین ایـشان باشد؟

**3ـ خـدا و رسـول بر جان مؤمن ولایت دارند**

نکته برجسته دیگر طرح ایـن پرسش بود که چه کسانی بر جان و مال مؤمنین ولایت دارند؟ خود پرسش و جواب گرفتن از مردم، وجدان ها را بیدار و در نـتیجه مـوج ایـجاد می کرد: «**أیهَا النَّاسُ مَن أولَی النَّاسِ بِالمُؤمِنِینَ؟ قَالُوا: اللهُ وَرَسُولُهُ أعلَمُ. قَالَ: أولَیـ النـَّاسِ بِالمُؤمِنِینَ اهل بیتی، یقُولُ ذَلِکَ ثَلاَثَ مِرآت...**؛[[18]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn18) ای مردم! چه کسانی برترین مردم هستند نسبت به مؤمنین [و بـر آنـها ولایـت دارند]؟ گفتند: خدا و رسول او داناترند. فرمود: برترین مردم نسبت به مؤمنین، اهل بیت مـن هـستند. و ایـن را سه بار تکرار فرمود».

4ـ خطبه غدیر و آیا ت مطرح شده[[19]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn19)

دل را ولا و حب علی باصفا کند

هـر درد را مـحبت مـولا دوا کند

آن شاهکار خلقت و فرمانروای عشق

مدحش به آیه آیه قرآن خدا کند

مسئله دیـگری کـه در جریان غدیر، موج ایجاد کرد، آیاتی است که در متن خطبه به کار بـرده شـده اسـت. به عنوان نمونه:

**1ـ آیه تبلیغ:**[[20]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn20) «ای پیامبر! آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شـده اسـت، کاملاً [به مردم] برسان که اگر این کار را نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خـداوند تـو را از [خـطرات احتمالی] مردم نگاه می دارد».[[21]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn21)

**2ـ آیه ولایت**: «**إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ...**»؛[[22]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn22) «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیـامبر «ص» او و آنـها که ایمان آورده اند. همانهائی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات مـی دهند».[[23]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn23)

**3ـ رسـول خـدا (ص) فرمودند**: «ای مردم! قرآن بیان می کند که امامان بعد از او علی »ع» فرزندان او هستند و من نیز به شـما اعـلام کـردم که آنان از [نسل] من و او هستند. آنجا که خداوند عزیز و جلیل می فرماید: «**کـَلِمَه بـاقِیه فی عَقِبِه** »؛[[24]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn24) «کلمة پاینده در نسل او»

**4ـ آیه بیعت:** «**إِنَّ الَّذینَ یبایعُونَکَ**...»؛[[25]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn25) «کسانی که با تو بیعت مـی کنند [در حـقیقت] تنها با خدا بیعت می نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کـس پیـمان شکنی کند، تنها بر زیان خود پیمان شـکسته اسـت.»

و هـمین طور آیات اکمال، افشای منافقین[[26]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn26) و در پایان اشاره فـرمودند کـه آیات متعددی درباره علی «ع» در قرآن نازل شده است: «و آیة خشنودی [پروردگار] جز دربـاره او نـازل نشده است و مخاطبه خداوند بـا مـؤمنان آغازش بـا عـلی «ع» اسـت. آیه مدحی در قرآن نازل نشده اسـت مـگر او داخل آن است. «هل اتی» بهشت را برای او شهادت داده است و سوره «هل اتـی» دربـاره غیر او [و اهل بیت اش] نازل نشده است و جـز او به وسیله آن مدح نـشده اسـت».[[27]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn27)

**5ـ امامت امامان و حضرت مهدی «عـج»**

نـکتة موج آفرین دیگر، طرح امامت تمام امامان دوازده گانه در خطبة غدیر است، برخلاف آنچه کـه در اذهـان عمومی جا گرفته است، حـضرت در بـیش از شـش مورد بر امـامت تـمام امامان تصریح فرموده اند. [[28]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn28) از جـمله فـرمودند: «**ثُمَّ مِن بَعدِی عَلِی وَلِیکُم وَ إِمَامُکُم بِأَمرِ اللَّهِ رَبِّکُم ثُمَّ الإِمَامَه فِی ذُرِّیتِی مـِن وُلدِهـِ إِلَی یومِ تَلقَونَ اللَّهَ عَزَّ اسمُهُ وَ رَسـُولُه**؛ [[29]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn29) سـپس بعد از مـن، بـه فـرمان خدا، علی «ع» ولی و امام شـماست. سپس تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید، امامت در نسل من از فرزندان علی«ع» باقی است».

امـامت حـضرت مهدی «عج» و دستاوردهای حکومت ایشان نـیز در خـطبه غـدیر مـطرح شـده است: «**مَعَاشِرَ النـَّاسِ إِنـِّی نَبِی وَ عَلِی وَصِیی أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الأَئِمَّه مِنَّا القَائِمُ المَهدِی**؛ [[30]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn30) ای مردم! به راستی من نبی، و علی وصی مـن اسـت. بـدانید که آخرین امامان از ما، مهدی قائم اسـت...»

**6ـ تـجسّمی نـمودن حـادثه ولایـت عـلی«ع»**

نکته برجسته دیگر، تأکید و تکرار ولایت علی «ع» بود. علاّمه امینی در بخش دیگری از خطبه غدیر به نقل از اهل سنّت نقل می کند که پیامبر«ص» فرمودند: «**إِنَّ اللَّهَ مَولَای وَ أَنـَا مَولَی المُؤمِنِینَ وَ أَنَا أَولَی بِهِم مِن أَنفُسِهِم فَمَن کُنتُ مَولَاهُ فَعَلِی مَولَاه**؛ [[31]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn31) **یقُولُهَا ثَلاَثَ مَرَّاتِ وَفِی لَفظِ اَحمَد اِمَامِ الحَنَابِلَه: أرْبَعَ مَرَّات**؛ به راستی خدا، مولای من است و من مولا و سرپرست مـؤمنان و بـر آنها از خودشان اولی هستم. پس هر کس من مولا و سرپرست او بوده ام، علی مولا و سرپرست اوست».

پیامبر«ص» این جمله را سه بار و بنا بر قول احمد، امام حنابله چهار بار تکرار کردند. ایـشان عـلاوه بر تکرار، موضوع را به صورت تجسمی هم نشان دادند، به این صورت که دست علی«ع» را بالا بردند و تاکید کردند که این علی را مـی گویم نـه فرد دیگری را.

به راستی پیامبر اکـرم«ص» در بـحث ولایت و امامت، سنگ تمام گذاشتند و با روش های گوناگون مسئله را تبیین کردند. حتی اهل بیت «ع» را در جریان نزول آیة تطهیر و حدیث کساء زیر عبا قرار دادند و فـرمودند: ایـنها اهل بیت من هستند، تـا عـده ای نیایند و بگویند که همسران پیامبر «ص» نیز داخل اهل بیت هستند [چنانکه گفتند]. در اینجا نیز دست علی«ع» را بالا بردند تا بر همه روشن شود که مقصود، علی بن ابی طالب«ع» است»[[32]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-#_edn32).

**7ـ تـأکید بـر انتقال به دیگران**

تأکید به این امر که حاضران به غائبان برسانند و نسل امروز به نسل فردا در روایات و نقل اهل سنّت نیز آمده است: «**أَلَا فَلیبَلِّغِ الشَّاهِدُ الغَائِب**؛ [[33]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn33) توجه کنید بـاید کـه حاضران بـه غائبان [داستان غدیر را] برسانند»؛ ولی نقل های شیعه آمده، با تأکید و وضوح بیشتری بیان شده اند. در بخشی از خطبه غـدیر می خوانیم:

«**مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّی أَدَعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِی عَقِبِی إِلَی یومِ القـِیامَةِ وَ قـَد بـَلَّغتُ**...؛[[34]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn34) ای مردم! خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خود تا روز قیامت به ودیعه می سپارم. من ابلاغ کـردم آنـچه را که مأمور به ابلاغش بودم تا حجّت باشد بر هر حاضر و غائبی و بـر هـمة کـسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان و پدران بـه فرزندان تا روز قیامت برسانند.»

پیامبر«ص» به این هم اکتفا نکردند، بلکه از آنان تـعهد گرفتند که جریان غـدیر را بـه نسل های آینده برسانند:

«**فَقُولُوا بِأَجْمَعِکُم**...؛ [[35]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn35) سپس همگی بگویید... [ای رسول خدا، این مطالب خطبه غدیر را] از طرف تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیل هایمان می رسانیم و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تـو نیز بر این اقرار شاهد هستی».

**8ـ عمامه «سحاب» یا همان تاج**

پیامبر اکرم«ص» در جریان غدیرخم، عمّامه خود «سحاب» را به عنوان تاج افتخار بر سر امام علی «ع»، نهادند. محمد جوینی از امام بـاقر«ع» در ایـن زمینه چنین نقل کرده است:

«**اِنَّ رسُول اللَّه عَمَّ عَلِیَّ بنَ اَبِی طَالِب صَلَوَاتُ الله عَلَیه وَالِهِ عَمَامَتُهُ السَّحَابَ فَأَرخَاهَا مِن بَینِ یدَیهِ وَ مِن خَلْفِهِ**؛ [[36]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn36) پیامبر«ص» [در مراسم غدیر خم] عمامه خود «سـحاب » را بـر سر علی بن ابی طالب «ع»قرار دادند و انتهای عمّامه را بر دوش آن حضرت آویزان کردند و فرمودند: «**العَمَائِمُ تیجَانُ العَرَبِ**؛ [[37]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn37) عمامه ها تاج های عرب است».

امام علی «ع» خود گزارش داده اند که: «**عـَمَّمَنِی رَسـُولُ اللهِ یوْمَ غَدِیرِ خُمِّ بِعَمَامة**...؛[[38]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn38) رسول خدا (ص) در غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم رها کردند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین مرا به وسیله ملائکه ای که چـنین عـمّامه ای بـر سر داشتند، یاری فرمود ».

عـمّامه گـذاردن از ایـن جهت مؤثر است که اوّلاً در مردم شوق و شادی ایجاد می کند و ثانیاً نشانه رسیدن به مقامی است همچون امامت و وصایت.[[39]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn39)

**9ـ بیعت گرفتن رسـمی**

حـضرت در مـتن خطبه غدیر بر بیعت گیری و بیعت کردن مردم پای فـشردند. ایـن نیز نکته مهمی است زیرا نشان می دهد که بحث امامت و پیشوایی مطرح است نه فقط دوستی و محبت، لذا فرمودند: «ای مـردم! مـن برایتان بیان کردم و به شما فهماندم و این علی است کـه بعد از من به شما می فهماند. بدانید که من بعد از پایان خطابه ام، شما را به دست دادن با خودم به عـنوان بـیعت بـا او و اقرار به او و بعد از من به دست دادن با او فرا می خوانم. بدانید کـه مـن با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است و من از جانب خداوند برای او از شما بـیعت مـی گیرم».

«ای مـردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دسـت دهـید. پروردگـارم مرا مأمور کرده است که در باره آنچه برای علی امیرالمؤمنین «ع» و امامانی که بعد از او مـی آیند و از نـسل مـن و اویند، منعقد نمودم، از زبان شما اقرار بگیرم...» آنگاه فرمودند:

«ای مردم! با خدا و با مـن بـیعت و با علی امیرمؤمنان «ع» و حسن و حسین و امامان«ع» از ایشان به عنوان کلمه باقیه بیعت کـنید».[[40]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn40)

و نـیز فـرمودند: «هر کسی بیعت را بشکند، به ضرر خویش شکسته است، و هر کسی به آنچه کـه بـا خدا پیمان بسته است وفا کند، خداوند به او اجر بزرگی عنایت می فرماید...».

**مـوج هایی کـه خـداوند ایجاد کرد**

خداوند متعال علاوه بر دستوراتی که به پیامبر اکرم«ص» داده بود، آیاتی را نیز مـستقیماً نـازل کرد که همه موید حادثه غدیر هستند.

**1ـ نزول سوره نصر در منا**

عـلامه مـجلسی نـقل کرده است که در روزهای آخر ایام تشریق، سوره نصر: «**اِذَا جَاءَ نَصرُ اللهِ وَالفَتح**...»؛ بر پیـامبر«ص» نـازل شـد که هم روی آوردن مردم به اسلام و هم به نحوی نزدیک بودن رحـلت پیـامبر اکرم«ص» را گوشزد می کند.

**2ـ نزول آیة تبلیغ**

پیامبر «ص» فرمودند: «ای مردم! من در رساندن آنچه خداوند بر من نـازل کـرده، کوتاهی نکرده ام. جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سـلام رسـاند... و مرا مأمور کرد که آنچه را که وحـی شـده اسـت، بیان کنم. خداوند چنین وحی کرده اسـت: «ای پیـامبر! آنچه را که از طرف پروردگارت نازل شده، ابلاغ کن و اگر انجام ندهی، رسالت او را نـرسانده ای و خـداوند تو را از مردم حفظ می کند ».[[41]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn41)

عـلاّمه امـینی از سی مـنبع اهـل سـنّت نقل کرده است که این آیـه در روز 18 ذیـ الحجّه بر پیامبر اکرم «ص»نازل شد.[[42]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_edn42)

نزول این آیه از چند جهت مهم بـود:

یـک: نزول مکرّر آن بر پیامبر اکرم«ص»

دو: تـهدید شدید پیامبر اکرم «ص» کـه اگـر مسئله مورد نظر را ابلاغ نـکند، در واقـع رسالت الهی را انجام نداده و زحمات 23 ساله او هدر رفته است

سه: خبر از اینکه اعـلام ایـن امر مخالفان سرسختی دارد، ولی خداوند، پیـامبر«ص» را از تـوطئه دشـمنان محافظت می کند.

**3- نـزول آیـه اکمال دین و اتمام نـعمت**

**4-نـزول آیه «سئل سائل»**

**پی نوشت ها**

[[1]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref1) الغدیر، علاّمه امینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج 1، ص 9، به نقل از: الطبقات الکـبری لابـن سعد، ج 3، ص 225، امتاع المقریزی، ص 510؛ ارشاد الساری، ج 6، ص429.

[[2]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref2) الغـدیر، ص 9، بـه نقل از: السـیره الحـلبیه، ج 3، ص 283؛ سـیره احمد زینی دحلان، ج 3، ص 3، تـاریخ الخلفاء، ابن جوزی، ج 4، تذکرة الخواص الامه، ص 8؛ دایرة المعارف فرید وجدی، ج 3، ص 542.

[[3]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref3) حج، 27.

[[4]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref4) الغدیر، ص 9.

[[5]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref5) همان، ص 9.

[[6]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref6) همان.

[[7]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref7) در ذیـل داسـتان حارث فهری، به حضور فعّال فـاطمه زهـرا«س» در حـادثه غـدیر اشـاره می شود.

[[8]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref8) نصر، 2.

[[9]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref9) از جـمله قـبایلی که مسلمان شدند، عبارت بودند از:قبیله بنی عبدقیس؛بنو حنیفه؛بنو طی ووو ر،ک:(دائره معارف القرن العـشرین، مـحمد فـرید وجدی، ج 3، ص 545 و 546، بیروت، دارالمعرفه، چ 3.)

[[10]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref10) بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بـیروت، داراحـیاء التـراث، ج 37، ص113، ح 6.

[[11]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref11) هـمان، ص 114، ادامـه حـدیث 6 و ر.ک: منابع روایی و تاریخی اهل سنّت.

[[12]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref12) بحارالانوار، ج 37، ص 114.

[[13]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref13) بحارالأنوار، ج 27، ص 68، باب 3.

[[14]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref14) همان، ج 37، ص 114.

[[15]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref15) بحارالأنوار، ج 37، ص 113، باب 52؛ زخرف/79 و 80.

[[16]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref16) این افراد همان اصحاب «صحیفه ملعونه» هستند.

[[17]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref17) الغدیر، ج 1، ص 33، به نقل از مطالب السؤل، ابن طلحه شـافی، ص 16 و مجمع الزوائد، ابوبکر هیثمی، ج 9، ص 104.

[[18]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref18) همان، به نقل از منابعی چون: الریاض النضرة، ج 2، ص 69؛ تلخیص، ذهبی، ج 3، ص 533.

[[19]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref19) قابل ذکر است که آیات مطرح شده براساس نقل شیعیان است؛ ولی در نقل اهل سنّت، این آیات نـیامده اسـت. با این که در تاریخ دمشق، ج 2، ص 41، ح 541؛ کنز العمّال هندی، ج 1، ص 188، ح 958 و البدایه والنهایه، ج 7، ص 362 و... تعبیر خطبه شده است؛ ولی کلّ آن بیش از یک صفحه و نیم که در الغدیر، ج 1، ص 10 ـ 11 آمده، نیست؛ ولی در منابع شیعه خطبه مفصّل است.

[[20]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref20) مائده، 67.

[[21]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref21) ر.ک: بـحار، ج 37، ص 206.

[[22]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref22) مـائده، 55.

[[23]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref23) بحار، ج 37، ص 206.

[[24]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref24) زخرف/ 28؛ بحار، ج 37، ص 215.

[[25]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref25) فتح، 10؛ بحارالانوار، ج 37، ص 126 و ص166؛ الغدیر، همان، ج 1، ص 58.

[[26]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref26) نور، 15، برای اطلاع بیشتر، ر.ک: پاسدار اسلام، ش 289، ص 20، مقاله «خطبه غدیر و آیات مطرح شده در آن»، از نگارنده.

[[27]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref27) بحارالانوار، ج 37، ص 215.

[[28]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref28) مقاله تـحت عـنوان «حدیث غدیر، امامت علی«ع» و مـعصومین»«ع» در مـجلّه شماره 62 مبلغان به چاپ رسیده است.

[[29]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref29) بحارالانوار، ج 37، ص 207 و 208؛ عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی، ج 15، ص 375 و 376.

[[30]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref30) بحارالانوار، ج 37، ص 212.

[[31]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref31) الغدیر، ج 1، ص 11.

[[32]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref32) همان، ج 1، ص 33.

[[33]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref33) همان، ص 11 و 33.

[[34]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref34) بحارالانوار، ج 37، ص 211؛ عوالم العلوم، ج15، ص 375 و 376.

[[35]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref35) همان، ج 37، ص 215.

[[36]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref36) الغدیر، ج 1، ص 291 و 292؛ فرائد السمطین، ج 1، ص 76، بـاب 12.

[[37]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref37) الغـدیر، ج 1، ص 291.

[[38]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref38) همان.

[[39]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref39) الغدیر، ص 290 ـ 293.

[[40]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref40) عوالم العـلوم، ج15، ص 328؛ الغـدیر، ج 1، ص 399 و 340.

[[41]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref41) بحارالانوار، ج 37، ص 180 ـ 181؛ عوالم العلوم، ج 15، ص 307.

[[42]](https://hawzah.net/fa/Article/View/95365/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%D9%87-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1-%22%20%5Cl%20%22_ednref42) الغدیر، ج 1، ص 214 ـ 247

منبع : پاسدار اسلام » شهریور و مهر 1393 - شماره 391 و 392 , حسینی،سید جواد؛ <https://noo.rs/aTHjl>